



# جهانشمولی حقوق مالکیت فکری با نگاهی بر حقوق ایران

ایوب میلکی<sup>۱</sup>  
مهدی هداوند<sup>۲</sup>  
محمد دارابی<sup>۳</sup>

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۰/۰۷/۲۷ تاریخ پذیرش نهایی: ۱۴۰۰/۱۰/۲۸

## چکیده

جهانی شدن در کلیه عرصه‌های حیات بشر از جمله در حوزه‌های مختلف علم حقوق تأثیرات خود را بر جای گذاشته است. می‌توان جهانی شدن حقوق مالکیت فکری و آثار آن در نظام حقوقی بسیاری از کشورها را از وجود پاره‌های چالش‌ها دور دانست اما در ایران، به دلیل تعارض برخی نظرات در محدود کردن حوزه‌های علمی و ادبی و هنری و به نوعی انحصار قائل شدن برای آن چالش‌هایی در پذیرش این شاخه از علم در نظام حقوقی قابل مشاهده است. توسل به شیوه‌های جهانی برای اعمال قواعد شکلی و قواعد ماهوی حقوق مالکیت فکری و تأثیرپذیری نظام‌های مدرن حقوقی از معاهدات قانون ساز جهانی و در نهایت آثاری که این شاخه از علم حقوق کشورها را به تبعیت از قواعد جهان شمول حقوق مالکیت فکری وادار ساخته، واقعیتی است که نمی‌توان از آن اجتناب نمود. از این روی، تعهدات دولت‌ها از جمله ایران در حیطة حقوق مالکیت فکری تعهد به نتیجه‌ای است که ابزار آن از سال‌ها پیش برای همکاری مشترک دولت‌ها با نهادهای تخصصی سازمان تجارت جهانی فراهم شده است. در نوشتار حاضر ضمن بهره‌گیری از روش توصیفی-تحلیلی، ابتدا مفهوم "جهانی شدن" و ارتباط آن با "حقوق مالکیت فکری" تشریح شده، سپس، ضمن بررسی دلایل موافقان و مخالفان جهانی شدن در این حوزه، موانع پیش‌رو در این خصوص مورد بررسی قرار گرفته است. در نهایت این پرسش مطرح می‌گردد که آیا رویه‌های جاری در نظام حقوقی ایران همسوی نیازهای جامعه معاصر بوده یا اینکه دولت ایران نیز در این عرصه باید تفسیرهای کهنه را کنار گذاشته و با تأثیرات جهانی شدن بر حقوق مالکیت فکری با رویکردی واقع-گرایانه برخورد نماید.

**واژگان کلیدی:** تزاخم حق‌ها، جهانی شدن، حاکمیت بین‌الملل، حاکمیت ملی، مالکیت فکری.

<sup>۱</sup> استادیار گروه حقوق، واحد پردیس، دانشگاه آزاد اسلامی، پردیس، ایران. ayoub.milaki@yahoo.com

<sup>۲</sup> استادیار دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران. (نویسنده مسئول): mehdihadavand@gmail.com

<sup>۳</sup> کارشناس ارشد حقوق بین‌الملل، دانشکده علوم انسانی، واحد تهران شمال، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. md.darabi@gmail.com

## مقدمه

محصولات فکری به‌عنوان آفریده‌های ذهن و ثمرات فکری بشر از دیرباز مورد توجه بوده‌اند و در عصر کنونی که به عصر اقتصاد دانش محور موسوم بوده و ثروت ملل دیگر نه بر حسب میزان اموال ملموس و مادی که بر اساس میزان دانش و فناوری ایشان ارزیابی می‌شود، ارزش این محصولات نسبت به گذشته افزایش قابل توجهی یافته است. با افزایش چشمگیر اهمیت محصولات فکری به ویژه از جنبه اقتصادی، نظام حقوق مالکیت فکری نیز به جایگاه ویژه‌ای دست یافته است، چرا که موثرترین ابزار برای حمایت حقوقی از آفریده‌های فکری همین نظام است. اعطای این حمایت در سطح داخلی به افزایش انگیزه پدیدآورندگان آثار و مخترعین جهت آفرینش‌های بیشتر و تلاش برای تکامل ابداعات موجود منتج شده و در سطح بین‌المللی جلب سرمایه‌گذاری خارجی و انتقال فناوری را تسهیل نموده است. از این روست که امروزه در قوانین داخلی اکثر کشورهای جهان اعم از توسعه یافته و در حال توسعه، توجه عمده‌ای به نظام حقوق مالکیت فکری معطوف گردیده است. روند شتابنده جهانی شدن تجارت، پویایی فعالیت‌های اقتصادی و حاکم شدن اقتصاد بازار نیز بر اهمیت آن به نحو شگفت‌آوری افزوده است. در مقاله پیش‌رو، نگارنده با تاکید بر مالکیت فکری این موضوع را مورد تحلیل و ارزیابی قرار داده که حاکمیت نظام مالکیت فکری بر چه مبنایی استوار است.

در سال‌های پس از جنگ جهانی دوم و با تشکیل سازمان ملل متحد به عنوان نهادی یکسان ساز در عرصه حقوق و سیاست و تعامل این دو، موضوع اولویت حق‌ها مورد تامل و تفکر اندیشمندان قرار گرفت و در واقع سخن از دو موضوع یکی اولویت یک حق بر دیگری و دیگری توسعه و پیشرفت جوامع به واسطه موازی‌سازی حق‌ها بود. (عاملی، ۱۳۸۳: ۵۰) در نهایت، نظریه تقدم یک حق بر دیگری کنار نهاد شد و حق‌های مادی و معنوی به موازات هم شروع به حرکت نمودند. یکی از حقوق مطرح شده در کنار حقوق مادی بشر حق بر مالکیت ادبی و هنری و مسائل مرتبط با آن بود. (قاری سیدفاطمی، ۱۳۸۱: ۱۲) مسئله بنیادین حمایت از حق‌های معنوی با این چالش مواجه می‌شد که آیا حقوق مزبور باید جنبه جهان شمول پیدا کند و یا محدود به مرزهای یک کشور و مناطق ملی و محلی گردد. حمایت جامع از حق‌های معنوی از سوی یکی از ارکان بزرگ وابسته به سازمان ملل متحد با توجیهاتی، موافق و با نظریاتی مخالف همراه بوده است. برای مثال حق بر سلامت و همچنین حمایت از حقوق پدیدآور دارویی خاص از جمله تعارضات موجود در این حوزه است. ابهامات مذکور اگرچه با قائل شدن به استفاده از حقوق

فکری طی سالیانی مشخص نسبت به شخص پدید آورنده و وراث وی تا اندازه‌ای مرتفع گردید، اما در کل هنوز به‌عنوان یکی از مسائل پر ابهام باقی مانده است. (قاری سیدفاطمی، ۱۳۸۱: ۳۳)

باری، با از بین رفتن اصل وجود جنگ در روابط بین دولت‌ها و سلطه نظام صلح‌آمیز جهانی به واسطه روابط دیپلماتیک، مرز به‌عنوان یک مفهوم کلاسیک و قابل دفاع اعتبار خود را از دست داد. در این عرصه، از دهه هشتاد میلادی به بعد، جهانی شدن در عرصه‌های گوناگون از جمله در حقوق مطرح شد. مسئله جهانی شدن حقوق بدل به موضوعی شد که می‌بایست در مقام واقعی غیرقابل انکار مورد پذیرش قرار می‌گرفت. حقوق در بسیاری از عرصه‌ها جهانی شد و حوزه مالکیت فکری نیز مستثنا از این امر نبود. آثار مثبت و منفی جهانی شدن حقوق مالکیت فکری بر عرصه‌های مختلف نظام حقوقی موضوعی است که نگارنده پس از بیان کلیاتی به آن اشاره خواهد داشت.

### گفتار اول- تبیین مفهوم جهانی شدن

جغرافیا، سیاست، فرهنگ، زبان و به صورت کلی، علم حقوق و همچنین سایر عوامل اجتماعی از جمله مهم‌ترین عوامل مرزآفرین و تاثیرگذار در برابر جهان گرایی و گسترده شدن امور اجتماعی بوده‌اند. از این رو هر تحولی که مرزها و محدودیت‌ها را در حوزه‌های مذکور کاهش دهد، می‌تواند عامل جهانی‌ساز به شمار رود. فشردگی فضا و زمان طی پروسه جهانی شدن، موجب کاهش روزافزون هزینه‌ها و محدودیت‌هایی می‌شود که فضا و زمان و عوامل نظیر آن بر زندگی اجتماعی انسان تحمیل می‌کنند. تفکرات مرتبط با گسترده شدن جهان در طول تاریخ به اندازه حیات بشر واجد قدمت می‌باشد. در قدیم کلماتی نظیر جهان گستری، جهان شمولی، جهانگیری، عالمگیری در وصف این پدیده رواج داشت که مخرج مشترک تمامی آن‌ها واژه جهانی می‌باشد. واژه مزبور برای بار نخست در سال ۱۹۶۱ به فرهنگ‌های مختلف زبان از جمله فرهنگ وبستر راه یافت که بر اهمیت بیش از اندازه ارتباط‌های مرتبط با جهانی شدن اشاره دارد. واژه جهانی شدن مفهومی است که در آثار پرشمار مربوط به فرهنگ، اقتصاد و سیاست در عصر معاصر در تحلیل تحول‌های مربوط به این حوزه‌ها رواج یافته است. تعریف‌های گوناگون و گاه متضادی از آن ارائه می‌شود (باقری خوزانی، ۱۳۸۷: ۲۲۳).

جهانی شدن به‌عنوان یک پدیده، واجد آثار و نتایجی می‌باشد. بخشی از این آثار از قبیل گسترش بازار سرمایه‌داری، اقتصادی بوده و برخی که عموماً با فرهنگ جهانی از آن یاد می‌شود. علاوه بر آن بخشی هم تا آنجا که از حاکمیت جهانی سخن گفته می‌شود سیاسی می‌باشند.

حاکمیت دولت که در یک نظام بین‌المللی به دست آمده و در ارتباط و وابستگی متقابل دولت‌ها و دارای حق انحصاری حکومت بر شهروندان و اداره امور داخلی و خارجی است، اکنون با جهانی‌شدن به زوال کشیده می‌شود و یکی از ابزارهای جهانی‌شدن برای از میان بردن چنین حکومت‌های انحصاری برقراری و تأکید بر اصل قانونی بودن نظام حقوقی است.

با وجود آنکه مفهوم مشخص و مورد توافق نسبت به جهانی‌شدن همچنان در درست نیست، ولی به طور کلی می‌توان گفت که جهانی‌شدن به‌عنوان یک واقعیت چنانچه بیشتر اندیشمندان بدان اشاره کرده‌اند در دنیای امروز وجود دارد. جهانی‌شدن یک مفهوم رشته‌ای است و فهم آن نیازمند یک نگاه چندرشته‌ای است و در مواردی نیازمند یک نگاه فرارشته‌ای است که در همه حوزه‌های مختلف علوم مورد بحث قرار گرفته و در همه قلمروهای اساسی فضای عمل پیدا کرده است (عاملی، ۱۳۸۸: ۱). از این رو مفهوم جهانی‌شدن تنها به اقتصاد و سیاست و همچنین به علم حقوق و در مقاله پیش رو به مباحث مرتبط با حقوق مالکیت فکری محدود نمی‌باشد و علوم کیفری نیز به ناچار متأثر از این فرایند است. اگر در گذشته‌ای نه چندان دور دولت‌ها منافع ملی و فرملی خود را در نقض حقوق بین‌الملل و بشر می‌دیدند و برخورد و احترام نسبت به این قواعد، بر اساس عوامل شخصی و منافع داخلی‌شان تعریف می‌شد، امروزه بنا به دلایل متعدد سیاسی، اجتماعی و... مصلحت خود را در رعایت و محترم شمردن این قواعد می‌دانند. در جهان امروز فشار افکار عمومی داخلی و خارجی، عامل محرکی برای پذیرش و رعایت قواعد و مقررات عام حقوق بین‌الملل بشر محسوب می‌شود.

## گفتار دوم- آثار جهانی‌شدن

انقلاب فناوری در حوزه ارتباطات به شکل بنیادین جوامع را دستخوش تغییر و تحول و دگردیسی کرده است و احتمالاً در آینده نه چندان دور نیز به تأثیر از جهانی‌شدن و پدیده‌های مرتبط با آن با شتاب زیاد ادامه خواهد یافت. از ابتدای زندگی بشر تا به امروز، اختراعات و اکتشافات و تحولات زیادی صورت گرفته است که برخی از این موارد به حدی در زندگی جوامع انسانی تأثیرگذار بوده که از واژه اعصار برای نام‌گذاری آن بهره برده‌اند، مثل عصر چرخ، عصر کشاورزی، عصر صنعت، ... در حال حاضر نیز به دلیل ایجاد دنیای مجازی و تأثیر به‌سزای وسایل الکترونیکی و دیجیتالی که سرعت انتقال اطلاعات را به ارمغان آورده این عصر را به عصر وسایل الکترونیک و دیجیتالی می‌شناسند؛ (گیدنز، ۱۳۸۹: ۲۴۹) چراکه ما شاهدیم دستگاه‌های بعضاً کوچک الکترونیکی با کارکردی بزرگ در تار و پود جوامع انسانی ریشه نموده و

معرف دنیاى نوینی است تا آنجایی که زندگی روزمره آدمیان بدون آن‌ها مختل می‌گردد. در جدیدترین شکل آن می‌توان از برنامه‌های نصب شده بر روی تلفن‌های همراه یا سایر تحولات فضای سایبر نام برد که حوزه‌هایی مهم از زندگی اشخاص مانند حریم خصوصی بدان مربوط شده‌اند. البته نیاز کشورهای پیشرفته از این دستاوردهای بزرگ بشری به مراتب بیشتر از کشورهای در حال توسعه است، گسترش این دستاوردها در این کشورها به سرعت بی‌نظیری در حال انجام است (مهدوی، ۱۳۸۷: ۷۳).

در پروسه مورد بحث، جهانی‌شدن عامل انتقال جدید اطلاعات جامعه در قلمرو فرهنگ، سیاست و اقتصاد به شمار می‌رود که در قیاس با کل تاریخ گذشته، تمایزهای بنیادین را به وجود آورده است. یکی از مهم‌ترین این تمایزها که از آن سخن خواهیم راند، ظهور صنعت ارتباطات جهانی است که منشاء تحولات شگرفی شده است و جامعه معاصر را از همه گذشته تاریخ متمایز کرده است. این تحولات را می‌توان در عرصه روابط اقتصادی بین دولت‌ها، روابط میان شهروندان با هم و حتی دولت با شهروندان و برعکس آن به وضوح مشاهده کرد.

در این فضای به اصطلاح جهانی شده، فضای سایبر و تحولات مرتبط با آن، می‌تواند جدیدترین اشکال ارتباطی و برهم کنشی میان تابعان این رابطه محسوب شود که این تجربه فزاینده به وسیله شبکه‌ها به اشتراک گذاشته می‌شود. به دلیل همگرایی ارتباطات سیار و رایانه‌ای مردمان این کره خاکی، به طور گسترده‌ای به فناوری واسط کارهای روزانه‌شان وابسته شده‌اند. در عمل اینترنت و فناوری‌های آن، از این جهت کاربرد دارند که ارتباطات روزانه بین افراد در حوزه‌های زندگی اجتماعی، اقتصادی و سیاسی، در عصر جهانی‌شدن به راحتی انجام شود.

غیرتحمیلی بودن پیام در عصر ارتباطات، مؤلفه‌ای است که ضریب اثرگذاری و پذیرش اطلاعات را برای کنشگران اجتماعی تسهیل می‌کند. در واقع اطلاعات از طریق رسانه‌های متنوع جهانی عرضه می‌شوند و دسترسی به این اطلاعات کم هزینه است. در این فرآیند تبدیل متن به صدا و برعکس یا مصور کردن و مستند ساختن متن با عکس و فیلم، روندی است که بسیار سریع صورت می‌گیرد (عاملی، ۱۳۸۸: ۱۵).

مؤلفه مهم دیگر این است که هم صدایی موجب نهادسازی پیام و بالابردن ضریب احتمال پذیرش پیام در مخاطب می‌شود. وقتی ارتباط شبکه‌ای داخلی یک سازمان رسانه‌ای مرتبط می‌شود به منافع شبکه‌ای خارج از سازمان خود، یک پیام واحد به صورت مکرر و در قالب‌های متفاوت به مخاطب اعلام می‌شود.

گسترش فناوری اطلاعات در عصر حاضر در حوزه‌های مختلف زندگی بشری موجبات پیدایش نظم اقتصادی جهانی جدیدی شده است که این نظم خارج از کنترل دولت‌ها قرار دارد. همان طور که گیدنز می‌نویسد:

«در اقتصاد الکترونیکی نوین جهان، مدیران دارایی، بانک‌ها، شرکت‌ها و همچنین بسیاری از سرمایه‌گذاران شخصی، می‌توانند مبالغ هنگفتی از سرمایه را تنها با یک کلیک موس از این سر دنیا به آن سر دنیا منتقل کنند. آن‌ها با این کار قادر خواهند بود تا نهادهای اقتصادی در ظاهر محکم و استوار را از بنیان بر کنند» (گیدنز، ۱۳۸۹: ۲۴۹).

شاید در چنین دولت‌ها قدرتی برای اعمال در عرصه ملی و حتی جهانی نداشته و در مقابل توان نیروهای فرادولتی تاثیرگذار مذکور ناتوانند. چنانچه بومن استدلال کرده است تحت این شرایط واقعاً به نظر می‌رسد که هیچ کس قادر به کنترل سرنوشت ملت نیست؛

وی معتقد است «عمیق‌ترین معنایی که از ایده جهانی شدن به نظر می‌رسد می‌توان یرمترقبه بودن، بی‌سازمانی و هدایت خود به خودی امور جهان، فقدان نقطه ثقل، فقدان عامل کنترل، فقدان هیئت مدیره و فقدان دفتر مدیریتی نام برد. با این حس که در دریای بی‌کرانی افتاده و هیچ راهنما و جهت‌یابی نداریم. همه نشان‌گرهای شناور زیر آب فرورفته و به زحمت دیده می‌شوند و تنها دو راه برایمان مانده؛ از منظره نفس گیر اکتشافات جدید لذت ببریم یا این که از ترس غرق شدن به خود بلرزیم» (Bauma, 1997: 93).

جهانی شدن و تعامل دولت‌ها با هم نه تنها موجب پیشرفت‌های اخیر فناوری اطلاعات شده که موجب سهولت انجام جرایم سازمان‌یافته بین‌المللی می‌شوند از این رو مسلّم به نظر می‌رسد که انقلاب اطلاعاتی و مخابراتی، سیمای مالکیت فکری تغییر می‌دهند. پیشرفت‌های فناوری که با فرآیند جهانی شدن بی‌ارتباط نیست فرصت‌ها و مزایای تازه و هیجان‌انگیزی را فراهم کرده است که همچنین بر میزان آسیب‌پذیری نیز افزوده است (گیدنز، ۱۳۸۹: ۲۴۳). بنابراین به غیر از مزایای مثبت جهانی شدن باید به آثار و تبعات منفی آن نیز اشاره نمود که بحث در خصوص آن از شمول این نوشتار خارج است.

در رابطه با این موضوع که واژه جهانی شدن چه تأثیری بر نظام‌های داخلی کشورها از منظر هنجاری می‌گذارد می‌توان گفت که جهانی شدن بر نظم هنجاری ملی تأثیر گذاشته و نظام‌های ملی را به سمت اشتراک سوق می‌دهد و در حقیقت جهانی شدن به‌عنوان حرکتی از خارج،

نظام‌های داخلی را متأثر کرده، تغییر می‌دهد و در مسیر خود هماهنگ می‌کند. اما در این بین افرادی مانند یان کلارک<sup>۱</sup> بر این نظرند که جهانی‌شدن تنها حرکتی از خارج بر نظام‌های داخلی نیست بلکه این فرآیند از درون نیز عمل می‌کند و این گونه هم نیست که صرفاً ناظر بر قدرت اخلاق جهانی در تغییر و تحول هنجارهای نظام داخلی باشد بلکه ناظر بر شکل‌گیری اشکال دیگری از نظام خاص داخلی است که این خود می‌تواند در اخلاق جهانی نیز تأثیر بگذارد. (محمودی، ۱۳۸۹: ۲۴۸) اما دورشدن نزدیک‌ها و نزدیک‌شدن دورها حقوق را به پدیده‌ای جهانی تبدیل کرده که روز به روز نقش زمان و مکان در رویداد وقایع کمرنگ و کمرنگ‌تر خواهد شد. دیگر این مطرح نیست که آیا جهانی‌شدن حقوق موافقیم یا نه؟ این یک واقعیت است، حقوق جهانی می‌شود و غالباً بحران‌ها سرآغاز این فرآیند می‌باشد. در حالی که حقوق بین‌الملل به آرامی در حال توسعه و تکامل است جهانی‌شدن به یک واقعیت روزمره تبدیل شده است که نمی‌تواند در قالب ورود قواعد مشترک در نظام‌های حقوقی منفک از یکدیگر خلاصه شود.<sup>۲</sup> کثرت‌گرایی که حاوی همزیستی عقاید مختلف است ویژگی اصلی حقوق مشترک بشریت را تشکیل می‌دهد. (سالار، ۱۳۸۹: ۸۳-۸۶) این ویژگی به وحدت‌گرایی حقوق یاری می‌رساند و عامل یکی شدن و نزدیک شدن این قواعد به هم محسوب می‌شود.

### گفتار سوم - دلایل موافقت با یکسان‌سازی حقوق مالکیت معنوی

یکسان‌سازی قواعد تجارت بین‌الملل با رویکردهایی مواجه است که توجیه خود را در دفاع از بنیان‌های حقوق بین‌الملل بیش از نظام حقوق داخلی می‌بیند. در واقع چنانچه توضیح داده خواهد شد، انواع اسناد بین‌المللی از جمله آنسیترال، یونیدقوا، کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا و دیگر اسناد در این راستا تعهد به یکسان‌سازی را در نظر گرفته‌اند.

نظام بین‌الملل به باور طرفداران آن بر نظام حقوق داخلی تقدم دارد. این بدان دلیل است که این نظام از نظر کمیت و از نظر کیفیت قواعد برتری و ترجیح قواعد خود را به اثبات رسانیده است. از حیث کمیت باید به تابعان کسانی که موضوع حق و تکلیف در حقوق داخلی و در حقوق

<sup>۱</sup>. Jon kelark

<sup>۲</sup>. ذکر این نکته ضروری است که تفاوت‌های ظریفی بین بین‌المللی‌شدن و جهانی‌شدن وجود دارد که از مهم‌ترین آن می‌توان به اختصاص بین‌المللی‌شدن به روابط رسمی دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی دولتی (تابعان اصلی، درجه اول و فعال حقوق بین‌الملل) اشاره کرد؛ در حالی که جهانی‌شدن منحصر به این محدوده نیست.

بین‌الملل قرار می‌گیرند توجه نمود. در حقوق داخلی تابعان افراد یک ملت و در حقوق تجارت، تاجران در عرصه داخلی و تنها در یک نظام حقوقی موضوع و مبتلا به قواعد حقوقی قرار می‌گیرند. اما در نظام بین‌الملل قضیه به این شکل نیست بلکه تابعان از حیث عددی رقم بیشتری از اشخاص اعم از حقیقی و حقوقی را در بر گرفته و قواعد بر آنها قابلیت اعمال پیدا می‌کنند.

همچنین از حیث کیفی نیز می‌توان به موضوع نگرست. خردگرایی که از سوی مکاتب جمع‌گرا در حقوق مورد توجه قرار گرفته در این تحلیل واجد اهمیت بیشتری است. اگر عقل بشری را منبع اصلی وضع قواعد حقوق در پرتو توجه به آموزه‌های حقوق طبیعی بدانیم باید گفت که این خردگرایی و توجه به عقل، به طور مسلم در حقوق بین‌الملل از اصالت و اعتبار بیشتری برخوردار است. در مقامی که تصمیم‌گیری و وضع قواعد در پرتو نظام‌های مختلف حقوقی و به تبعیت از باورهای این نظام‌ها صورت می‌گیرد نظام حقوق بین‌الملل از ارجحیت و اصالت بیشتری نسبت به حقوق داخلی برخوردار است. (بیگزاده، ۱۳۹۸، ۱۲۲)

### **بند اول - ایجاد وحدت در پرتو نظم هنجارمند جهانی**

در نظم هنجارمند جهانی باید از سازوکارهایی سخن گفت که امکان تعارض با حقوق خصوصی را با خود به همراه دارند. در این فرآیند اهداف در پرتو جهانی شدن قابل تحلیل و تامل به نظر می‌رسد و نظم هنجارین حاکم بر نظام حقوق بین‌الملل از اولویت و اصالت بیشتری برخوردار می‌باشند. در واقع مکانیسم‌هایی که حاکم بر حقوق می‌باشند در پرتو نظم جهانی تبیین توصیف می‌شوند. از این رو در هر سند بین‌المللی دلایلی را می‌توان یافت که حقوق نظم خود را از نظام بین‌الملل اخذ می‌نمایند.

برای مثال جلوگیری از تعارض بین نظام‌های مختلف حقوقی، ایجاد وحدت در قواعد حاکم بر حمل و نقل بین‌المللی، جلوگیری از سیستم حل تعارض، یکسان‌سازی و سهولت مبادلات تجاری و.... از جمله این دلایل می‌باشند که در هر مورد بدان اشاره خواهد شد.

### **بند دوم - اصالت دادن به نظام حقوق داخلی**

با توجه به اینکه در حال حاضر هنوز دستیابی به قانونی متحد الشکل یک آرمان نهایی است، این سوال مطرح می‌شود که آیا انتخاب قانون متحدالشکل و قواعد حقوقی برتر بر اساس اولویت و اصالت قواعد حقوقی داخلی انجام می‌شود یا بر اساس اولویت قواعد حقوق بین‌الملل.



در ایران به نظر می‌رسد مهم‌ترین محدودیت اعمال شده بر اعمال قواعد بین‌الملل تجاری نظم عمومی داخلی و تعبیری است که ماده ۹۷۵ قانون مدنی از این مفهوم دارد. (حبیب‌نژاد، ۱۳۹۰: ۱۵۷)

این ماده مقرر می‌دارد:

«محکمه نمی‌تواند قوانین خارجی و یا قراردادهای خصوصی را که بر خلاف اخلاق حسنه بوده و یا به واسطه جریحه دار کردن احساسات جامعه یا به علت دیگر مخالف نظم عمومی محسوب می‌شود را به موقع اجرا گذارد اگرچه قوانین مزبور اصولاً مجاز باشد».

به نظر می‌رسد محدودیت این ماده برای اجرای قواعد متحدالشکل فراملی نیز اعمال شود. مانند قواعد و کنوانسیون‌های متحدالشکل بین‌المللی که دولت ایران با طی مراحل قانونی به آن‌ها ملحق شده یا اعمال آن را به طور کلی بر قراردادهای خصوصی بالامنع تشخیص داده است. همچنین ماده ۹۷۲ قانون مدنی به طرز مشابهی اجرای احکام و اسناد بین‌المللی را مقید به شرطی نموده است:

«احکام صادره از محاکم خارجه و همچنین اسناد رسمی لازم الاجرا تنظیم شده در خارجه را نمی‌توان در ایران اجرا نمود مگر اینکه مطابق قوانین ایران امر به اجرای آن‌ها شده باشد».

امر به اجرای احکامی مانند داوری و همچنین اجرای اسناد خارجی، پس از رسیدگی دادگاه ایران به اعتبار آن‌ها و احراز عدم تعارض با نظم عمومی، صادر می‌شود و در واقع احراز نفوذ آن‌ها بر طبق قوانین ایران است. بر طبق آراء برخی از حقوقدانان، اجرای مستقیم احکام و اسناد خارجی با حاکمیت ملی منافات دارد و بنابراین تراضی بر خلاف این ماده از احکام مربوط به نظم عمومی است که امکان‌پذیر نمی‌باشد (مهردوی، ۱۳۸۷: ۲۳).

اگر دیدگاه‌های کلسن و مخالفان آن در مکتب حقوق طبیعی به صورت افراطی دنبال شود، نمی‌تواند این امر کل حقیقت راجع به موضوع را انعکاس دهد. با توجه به آنکه هنجارهای حقوق بین‌الملل به طور طبیعی متاخر و پس از هنجارهای حقوق داخلی به وجود آمده‌اند، تاثیرپذیری و انتقال هنجار از حقوق ملی به حقوق بین‌المللی، امر اجتناب‌ناپذیر است (ضیایی بیگدلی، ۱۳۹۰: ۴۸). البته این هنجار می‌تواند در محیطی بین‌المللی متناسب با شرایط جدید، تغییر یافته و هویت مستقلی پیدا کند و در نتیجه یکی از منابع حقوق بین‌الملل محسوب شود. اما این روند به معنی حذف نقش اولیه هنجارهای ملی نخواهد بود. اولویت و حاکمیتی که هنجار بین‌المللی بر هنجار داخلی خواهد داشت؛ منطقی است اما مربوط به زمان بعد از تشکیل حقوق منسجم بین‌المللی مانند حقوق بازرگانی فراملی می‌باشد و در این مرحله است که باید از سوی دولت‌ها به عنوان

قانون برتر در روابط بین‌الملل مورد استفاده قرار گیرد. در این دیدگاه حقوق داخلی به آن دلیل که حمایت از ارزش‌های حقوق داخلی را بر عهده دارد و قواعد خود را بر اساس تابعان خود اصالت می‌بخشد مورد حمایت می‌باشد. به هر حال امروزه از دید حاکمیتی باید به موضوع نظر داشت و باید دانست که انتظام بخشی و یکسان‌سازی قواعد تجارت بین‌الملل در هر حال دولت‌ها را به طور کلی و به طور خاص در عرصه حقوق تجارت بین‌الملل با واقعیت فرسایشی شدن مواجه خواهد کرد. این خود بدان معناست که متحدالشکل‌سازی تهدیدی بر نظام حقوق ملی و حتی تا مرز به انحلال رفتن آن‌ها پیش خواهد رفت.

هر نظام حقوقی در چارچوب حاکمیتی که شکل گرفته است به حرکت خود ادامه می‌دهد و البته نظام حقوق بین‌الملل نیز محدودیت‌هایی را بر نظام حقوق داخلی وارد خواهد ساخت. حقوق داخلی پس در این مجال به حقوق مالکیت فکری در سطح داخلی نیز پیوند خورده و از آن متأثر می‌شود و به نوعی حقوق خصوصی بر نظام حاکمیتی موثر واقع خواهد شد. در ذیل به بحث تحلیلی راجع به اصالت دادن به حقوق داخلی با مولفه‌های گوناگون خواهیم پرداخت.

### بند سوم - تقدم حاکمیت بین‌الملل بر حاکمیت ملی

نظم‌هنجارین و سازمان‌دهی شده در عرصه حقوق بین‌الملل را از دیدگاه موافقان یکسان‌سازی در عرصه حقوقی باید مورد توجه قرار داد. از نظر این دسته حقوق هدف هر دو دسته از قواعد چه در عرصه حقوق داخلی و چه در عرصه حقوق بین‌الملل ایجاد نظم می‌باشد، اما باید توجه داشت که این هدف ذاتی حقوق بوده و نظم عادلانه از این رو مقوله‌ای است که بسیاری از حقوق‌دانان نیز بر آن تأکید کرده‌اند. پس مخرج مشترک هر دو دسته از قواعد حقوقی در حقوق داخلی و در حقوق بین‌الملل و به عبارتی از اوصاف قاعده حقوقی ایجاد نظم می‌باشد. در این عرصه باید البته دانست که از دیدگاه فردگرایی نظم حقوق داخلی و از دیدگاه جمع‌گرایی نظم موجود در جامعه بین‌الملل اصالت و اولویت دارد.

مدفغان یکسان‌سازی در عرصه حقوق معتقدند اگر بنا بر وضع قواعد به صورت یکسان باشد این موضوع باید نظم جامعه جهانی را نیز در نظر گیرد؛ پس نمی‌توان بدون توجه به این امر وضع قاعده نمود و در نهایت خروجی قواعد وضع شده یک معیار، یعنی تناسب با نظم بین‌الملل را بر عهده دارد. این دیدگاه در فلسفه جمع‌گرایی نیز قابل دفاع بوده بدان تأکید شده است. البته این تقدم زمانی قابل توجیه خواهد بود که وضع قاعده همراه با رعایت اصول بوده و معیارهای

مشترکی را در نظر داشته باشد. در غیر این صورت وضع هر نوع قانون در این عرصه نمی‌تواند با دفاع از منافع عمومی جامعه حتی جامعه بین‌الملل قابل توجیه باشد.

### گفتار چهارم - دلایل مخالفت با یکسان‌سازی حقوقی

یکسان‌سازی حقوقی از دید برخی از اندیشمندان حقوقی و حتی در نظام‌های حقوق داخلی نیز مورد تامل قرار گرفته و با آن مخالفت‌هایی شده است. از آن جمله می‌توان به تقدم تاریخی حقوق داخلی بر حقوق بین‌الملل اشاره کرد که موجبی برای تحمیل نظم حقوق داخلی بر نظم حقوق بین‌الملل می‌باشد. تقدم حاکمیت ملی بر حاکمیت بین‌الملل از دیگر دلایل است که به شرح و توضیح آن خواهیم پرداخت.

در مقابل دیدگاه یگانه انگاران، تز جدایی‌پذیری یا دوگانه انگاری به‌عنوان یک نظریه تجربی و پوزیتیویستی طرح شده است. دوگانه انگاران نظام حقوق داخلی و بین‌المللی را دو نظام برابر و در ضمن مستقل و جدا از هم دانسته. معتقدند هیچ یک از دو حقوق بر دیگری برتری ندارد و بنابراین تبعیتی نیز بین آن‌ها وجود نخواهد داشت. این گروه منشا پیدایش حقوق بین‌الملل را صرف اراده دولت‌ها می‌دانند.

با این توضیح به نظر می‌رسد که مخالفان امروزی متحدالشکل‌سازی، با استناد به چنین دیدگاهی معتقدند که تحقق سازه فکری اصولاً امکان‌پذیر نمی‌باشد. به اعتقاد مخالفان، عواملی مانند فرهنگ و تمدن‌های متمایز و همچنین مبانی و اصول حقوقی متفاوت، همواره مانعی جدی برای متحدسازی حقوق خواهد بود. بر این اساس است که مخالفان معتقدند که سیستم‌های حقوقی به هم نزدیک نمی‌شوند.

برای مثال لگراد و این گروه از مخالفان، قانون را ماهیتی می‌دانند که تماماً توسط فرهنگ و جامعه در بر گرفته شده است و علاوه بر آنکه رفع این موانع امکان‌پذیر نیست، حتی حفظ شرایط موجود برای بقای حاکمیت و استقلال حقوقی جوامع، ضرورتی انکارناپذیر است. اما در مقابل مخالفان باور دارند که نظام حقوقی به خودی خود یک ارزش محسوب نمی‌شود بلکه در خدمت ارزش‌های اقتصادی و فرهنگی جامعه است. اگر جامعه نیاز به قانون دیگری داشته باشد، قانون قبلی باید تغییر یابد. در چنین مواردی قانون جدید می‌تواند یک قانون متحدالشکل باشد، که خود یک میراث فرهنگی از نظام‌های حقوقی متعدد بوده و حاصل آن اتحادی خواهد بود که دارای ارزش فرهنگی است (محمودی، ۱۳۸۹: ۲۴۸).

لازم به ذکر است که نظریه دوگانه انگاری در نظام حقوقی اسلام مورد پذیرش قرار نگرفته است و نظریه یگانه انگاری مورد تایید می‌باشد. اما در هر حال مبنای قواعد حقوقی و به طور کلی قوانین و مقررات، مصالح جمعی و فردی و روابط انسانی در زندگی افراد مشترک است و از این لحاظ بین نظام‌های حقوقی از جمله نظام حقوقی اسلام، اختلافی دیده نمی‌شود و اگر اختلاف نظری دیده می‌شود صرفاً در شیوه تشخیص مصلحت و اصول و معیارهای مربوط به نظم و عدالت اجتماعی است. از این رو قدر مشترک و دیدگاه‌های مشابه در نظام‌های حقوقی، امری طبیعی و کاملاً قابل پیش‌بینی است.

### بند اول - تقدم تاریخی حقوق داخلی بر بین‌الملل

از جمله مهم‌ترین دلایلی که مدافعان تقدم حقوق داخلی بر حقوق بین‌الملل مطرح می‌کنند این است که حقوق داخلی بر حقوق بین‌الملل تقدم تاریخی دارد و از این رو نظم هنجارین در حقوق خصوصی است که باید بر قواعد حقوق بین‌الملل اعمال گردد و نه بر عکس. البته به نظر می‌رسد از نقطه نظر مخالفان با یکسان‌سازی حقوقی که این امر توسط حقوق بین‌الملل اتفاق می‌افتد برتری تاریخی با تقدم قواعد حقوقی یکسان انگاشته شده است. در صورتی که به اصل مسئله با نگاهی باز بنگریم متوجه خواهیم شد که تقدم تاریخی یک رشته از حقوق از جمله حقوق خصوصی بر حقوق بین‌الملل به هیچ عنوان به معنای تقدم و برتری قاعده یا مجموعه‌ای از قواعد حقوق خصوصی بر حقوق بین‌الملل نمی‌باشد و اصلاً مبنای سنجش برتری یک قاعده بر قاعده دیگر قابل توجیه و تحلیل و دفاع نمی‌باشد.

### بند دوم - تقدم حاکمیت ملی بر حاکمیت بین‌الملل

طرفداران اصالت نظم بین‌الملل بر نظم داخلی به این موضوع اشاره می‌کردند که با وجود آنکه نظم در هر دو حوزه وجه مشترک قواعد حقوق محسوب می‌شود اما نظم در نظام حقوق بین‌الملل با وجود آنکه اصالت بیشتری برای فرد انسانی با توجه به آرمان‌های حقوق بشری در نظر می‌گیرد قابل دفاع‌تر به نظر می‌رسد. این دیدگاه چنانچه توضیح داده شده به فلسفه جمع‌گرایی بیشتر نزدیک بوده اما در هر حال از این جهت قابل دفاع به نظر می‌رسد که بر مبنای این دیدگاه ممکن است نظم بین‌الملل با نظم داخلی در تعارض قرار داشته باشد و بنیان‌های این نظم را هر چند به اشتباه بر هم ریزد. از سوی دیگر این نکته قابل ذکر است که نظم در عرصه حقوق خصوصی می‌تواند صرفاً مسئله‌ای داخلی محسوب شود و به غیر از حوزه‌هایی خاص از حقوق خصوصی که

جنبه حقوق بشری یافته است نظیر مقوله حمایت از طرف ضعیف در قرارداد، در سایر حوزه‌ها نمی‌توان اصالت چندانی برای نظم در حقوق خصوصی در نظر گرفت (گیدنز، ۱۳۸۹: ۵۹).

مدافعان تقدم حاکمیت ملی بر حاکمیت بین‌الملل بر این باورند که نظم حقوق خصوصی ممکن است با مقوله‌هایی مانند نسبی‌گرایی فرهنگی نیز روبرو شود. اصالت دادن به فرهنگ‌های خاص هدفی است که نظام‌های حقوقی در داخل مرزهای یک کشور بدان استناد می‌کنند و دلیلی برای مخالفت با آن وجود ندارد. از سوی دیگر اصالت دادن به تقدم حاکمیت حقوق بین‌الملل بر حقوق داخلی، حاکمیت ملی در مقابل حاکمیت بین‌الملل تضعیف می‌شود. پس به دلایل زیر می‌توان از تقدم حاکمیت ملی بر حاکمیت بین‌الملل سخن گفت.

## گفتار پنجم - موانع جهان‌شمولی حقوق مالکیت فکری بند اول - نسبی‌گرایی فرهنگی

در حالی که حقوق کلان و یا به عبارت دیگر «حقوق بنیادین بشر»<sup>۱</sup> جنبه جهانی داشته و مبتنی بر اصول اخلاقی الزام‌آوری برای تمام ملت‌ها و فرهنگ‌ها است، حقوق خرد می‌تواند با توجه به وضعیت خاص فرهنگی ملت‌ها تغییرپذیر باشد. در حقیقت با این تفکیک می‌توان در پی گونه‌ای آشتی و تلفیق عملی بین دو دیدگاه «جهان‌شمول‌گرا»<sup>۲</sup> و «نسبی‌گرایی فرهنگی»<sup>۳</sup> قائل شد. به این ترتیب ضمن به رسمیت شناختن حقوق بنیادین به عنوان حقوقی جهان‌شمول مسئله تنوع فرهنگی ملت‌ها نیز نادیده گرفته نمی‌شود. (قاری سید فاطمی، ۱۳۸۷: ۴۳) در خصوص رابطه بین حقوق مالکیت فکری در سطح داخلی و حقوق بشر می‌توان چنین تحلیل کرد که حقوق مالکیت فکری در سطح داخلی از جمله مفاهیم خاص و حقوق بشر از جمله مفاهیم عام می‌باشد که حقوق دسته اول در دل آن جای می‌گیرد. کشورهای امروز می‌بایست به حقوق مالکیت فکری در سطح داخلی به‌عنوان یک مقوله حقوق بشری نگاه کنند یعنی حقوق مالکیت فکری در سطح داخلی از حیث اصول و کلیات تابع معیارها و استانداردهای جهانی از حیث، اقتصادی، کیفیت سیاسی و فرهنگی است اما تنوع قومیت و فرهنگ و به عبارتی نسبی‌گرایی فرهنگی که بسیاری آن را دشمن حقوق بشر و رشد آن می‌دانند می‌توان دوجود داشته باشد. در واقع هر کشور می‌تواند ابزارهای لازم برای تحقق حاکمیت خود را بر شهروندان خود به کار بندد اما از آنجا که اقتدار سیاسی دولت‌ها امروزه مفهومی متفاوت با آنچه از این

<sup>1</sup> Fundamental human rights

<sup>2</sup> Universalism

<sup>3</sup> Cultural relativism

مفهوم سراغ داریم یافته است می‌توان چنین تحلیل کرد که در دایره حقوق بشر باید جایگاه حقوق شهروندی نیز مشخص گردد.

در مورد جرایم جهانی شده مالکیت فکری نیز نسبییت پنداری به یکی از چالش‌های حقوق تبدیل شده است. در حالی که «گرایش‌های ذات باور»<sup>۱</sup> این نوع جرم را واقعیتی روانی - اجتماعی می‌داند که قبل از آنکه توسط حقوق جزای مالکیت فکری واجد وصف مجرمانه شود وجود داشته است مدافعان «گرایش‌های نسبییت پندار»<sup>۲</sup> معتقدند که جرم ساخته و بنای خودسرانه نظام اجتماعی و اشتباهی بس اساسی است که فکر کنیم جرم یک واقعیت روانی-اجتماعی می‌باشد. (گسن، ۱۳۹۰: ۶۶) ری‌موند گسن با مطرح کردن دو عنصر مشترک، نامتغیر و همیشه ثابت «خشونت» و «نیرنگ» در مرکز ثقل همه نظام‌های کیفری معتقد است که جرم به حق دارای واقعیت غیر از واقعیت یک ساخته اجتماعی متغیر و خودسرانه است. پس این اشتباه اساسی که جرم را یک پدیده خارجی و نامتجانس بدانیم که مانند یک میکروب از خارج از اجتماع بر پیکره جامعه حمله‌ور شده و در نهایت امر با تکیه بر انتزاعی و مجرد بودن این مفهوم نقش مظاهر حیات اجتماعی و مشکلات موجود جامعه را در روند پیدایی و سیر تحول آن نادیده بگیریم، نتیجه آنکه دفاع از این دیدگاه نه تنها در شناخت مفهوم جرم دلیل راه نخواهد بود بلکه ما را به بیراهه می‌کشاند (صانعی، ۱۳۸۲: ۸۶).

به هر جهت از طرفی تعارض با حاکمیت داخلی کشورها به گونه‌ای که نزدیک به ۱۹۰ کشور در جهان فعالانه می‌کوشند از حق حاکمیت خود دفاع کنند-و نظریات نسبت‌گرایان فرهنگی<sup>۳</sup> از دیگر سو با جهانی شدن پدیده جرم در حقوق مالکیت فکری هنوز سد راه است. هر کشور مدعی دارا بودن بهترین و قابل دفاع‌ترین نظام حقوقی در میان سایرین است و با این طرز تلقی حاضر به از دست دادن اقتدار حاکمیت خود تحت تاثیر روند جهانی شدن نیست، نسبییت‌گرایی فرهنگی که دومین عامل مهم مانع است تعیین قواعد حقوقی را بسته به عرف، سنت، محیط و عوامل عینی که هر جامعه به نوعی با آن درگیر است می‌داند که البته توسل به نسبییت‌گرایی از جانب پاره‌ای از کشورها توجیهی برای نقض اصول عام حقوق بشر که مرزهای مشترکی با حقوق کیفری دارد در مقابل کسانی که به درستی بر جهان شمولی این حقوق اصرار ورزیده‌اند نیز بوده است. با آنکه نظم حقوقی بین‌الملل قویا تحت تاثیر اصل حاکمیت دولت‌ها قرار دارد این مسئله مانع

<sup>1</sup> Essentialistes

<sup>2</sup> Relativists

<sup>3</sup> Cultural relativist

بزرگ و سد راه جهانی شدن حداقل برخی از جنبه‌های نظام حقوق مالکیت فکری در سطح داخلی می‌شود به این دلیل حل معضلات در سطح منطقه‌ای آسان‌تر از سطح جهانی است. با این حال آنجایی که نقض قواعد آمره، حقوق بشری و عام و پذیرفته شده جهانی پیش می‌آید حتی افراطی‌ترین طرفداران مصونیت حاکمیت دولت‌ها مفهوم اخیر را بی‌معنی قلمداد می‌کنند، در این صورت کشورهای عضو یا غیر عضو سازمان ملل متحد یا دیگر ارکان بین‌المللی خواه به معاهده‌ای با خصوصیات مذکور ملحق شده یا نشده باشند ملتزم به رعایت قواعد فوق‌الذکر هستند. به اعتقاد طرفداران جهانی شدن و مخالفان نسبی‌گرایی فرهنگی این قواعد به اندازه‌ای بنیادین و تعیین‌کننده‌اند که عدول از آن غیر ممکن و باید به عنوان معیارهای تعیین‌کننده قواعد حقوقی از سوی همه دولت‌ها به رسمیت شناخته شوند. (توحیدی فر، ۱۳۸۰: ۳۹) اما مسلماً واکنش کشورهای مدرن، در حال توسعه، سنتی و واپس‌گرا نسبت به این روند متفاوت خواهد بود. آشفتگی و سردرگمی، واکنش‌های سریع و غیر منطقی سیاست، توهم توطئه و مبارزه و... چنانچه امروزه وجود دارد و با ذکر مصادیق گوناگون و در جریانات بسیاری می‌توان مدعی آن شد، در حالی که فرار از این فرآیند ممکن و معقول نیست و لاجرم باید به شرایط موجود تن داد باز هم قابل پیش بینی خواهد بود. (توحیدی فر، ۱۳۸۰: ۵۶) در واقع موضوع قابل ذکر و اساسی آن است که اگر در گذشته‌ای نه چندان دور دولت‌ها منافعشان را در نقض حقوق جهان‌شمول می‌دیدند و برخورد و احترام نسبت به این قواعد، بر اساس معیارهای شخصی و منافع داخلی‌شان تعریف می‌شد، امروزه بنا به دلایل متعدد سیاسی، اجتماعی و... مصلحت خود را در رعایت و محترم شمردن این قواعد می‌دانند. در جهان امروز فشار افکار عمومی داخلی و خارجی، عامل محرکی برای پذیرش و رعایت قواعد و مقررات عام حقوق مالکیت فکری بشر محسوب می‌شود. بسیاری از این قواعد مرتبط با حقوق کیفری به عنوان تحدیدکننده حقوق و آزادی‌های اشخاص است.

## بند دوم- تزامم حق‌ها

در حقوق مالکیت فکری در سطح داخلی و معاهده بین‌الملل در رابطه با حقوق مالکیت فکری گاهی ممکن است حق‌ها در تزامم با یکدیگر قرار گیرند. همچنین ممکن است در تزامم با دیگر دغدغه‌های اجتماع قرار گیرند. در این موارد می‌توان از تزامم حق‌ها در حقوق مالکیت فکری در سطح داخلی و معاهده بین‌الملل در رابطه با حقوق مالکیت فکری و یا تزامم حق‌ها با دیگر دغدغه‌های اجتماع سخن گفت. همچنین حق‌ها ممکن است در پاره‌ای موارد با برخی ضرورت‌ها و مقتضیات اجتماعی مثل نظم در تعارض قرار گیرند. در مورد محدود کردن قلمرو حق‌ها در

صورت ناسازگاری با مقاصد اجتماعی و اخلاقی، دو رویکرد تحدیدی می‌تواند مطرح شود. یک رویکرد آن است که از ابتدا حق را به صورت محدودتری در عرصه حقوق داخلی یعنی در موضوع حقوق مالکیت فکری در سطح داخلی تعریف کنیم. در این رویکرد فرض می‌شود که مشکل تراحم حق‌ها ناشی از عدم تعریف دقیق مرزهای حق است.

در رویکردی دیگر می‌توان مسئله را از منظر تراحم حق‌ها بررسی نمود. ببینیم. در چنین رویکردی مسئله بسیار مهم ارائه معیارهایی برای تعدیل حق‌ها و یا به عبارتی معیارهای تقدم و تاخر حق هاست. در حقوق مالکیت فکری در سطح داخلی چنانچه بخواهیم اخلاق را خارج از چارچوب حق‌ها تعریف و تبیین کنیم این مسئله می‌تواند در تعارض با پاره‌ای از حق‌ها قرار گیرد. اگرچه در قلمرو اخلاق حق مدار تصور تعارض هنجارهای اخلاقی با حق‌ها تصور دشواری است، اما می‌توان تصور کرد که حق‌ها گاه ممکن است با دغدغه‌های اخلاقی و یا هنجارهای اخلاقی سرناسازگاری داشته باشد. حق‌ها بر مبنای هر دو رویکرد در حقوق مالکیت فکری در سطح داخلی مطلق نبوده و مقید به قیودی هستند. البته شاید بتوان از حق‌های غیرمقید هم در حقوق مالکیت فکری در سطح داخلی سخن به میان آورد. منع برده داری و منع شکنجه به‌عنوان حق‌های مطلق در عرصه حقوق مالکیت فکری در سطح داخلی مطرح می‌شوند. از میان حق‌های مذکور مدافعان حقوق بشر بیشتر بر حق بر شکنجه نشدن را به عنوان حق مطلق فرض کرده‌اند. (قاری سید فاطمی، ۱۳۸۱: ۱۵-۱۶)

می‌توان چنین گفت که اصل لاضرر یا تقیید حق‌ها به شرط عدم اضرار و تعرض به حقوق دیگران، نمی‌تواند به گونه‌ای موسع و گسترده توسط دستگاه حقوقی به کار گرفته شود به طوری که اصل ایده حق‌ها به مخاطره افتد و یا به گونه‌ای قیومت‌مداری اخلاقی منجر شود. توضیح آنکه در تفسیری موسع از حق اجتماع و یا حتی حق افراد می‌توان دخالت در حوزه حق‌های فردی را در عرصه حقوق مالکیت فکری در سطح داخلی چنان توسعه داد که اعمال حق افراد در بسیاری از ساحت‌های زندگی انسانی تحت الشعاع قرار گیرد. اما در صورتی که توسعه مفهوم اضرار، منجر به سلب حق اخلاقی فرد و حق تعیین سرنوشت او شود نمی‌تواند موجه باشد. (حاتم زاده، ۱۳۸۳: ۲۵۴)

نفع اطلاق حق‌ها به معنای نفی جهان شمولی آن نیست. به دیگر سخن ایده جهان شمولی حق‌ها یا ایده مطلق بودن حق، دو ایده متفاوت بوده و طرفداران جهان شمولی حق‌ها در واقع قائل به مطلق بودن آن‌ها نیستند. طرفداران جهان شمولی حق‌ها در حقیقت با ایده نسبیت‌گرایی فرهنگی سر نزاع دارند و نه با ایده تقیید قلمرو حق‌ها. حقوق بنیادین انسانی که مرزهای مشترک با حقوق مالکیت



فکری در سطح داخلی دارد در عین جهان شمولی می‌تواند موج‌ها مقید به قیودی باشد که قلمرو آن را تحدید می‌کند. برای مثال قیدهای عدم تعارض با نظم عمومی، اخلاق حسنه و... که در قلمرو حقوق مالکیت فکری در سطح داخلی مطرح می‌شوند می‌توانند جنبه جهان شمول به خود بگیرند. البته نمی‌توان از نقش فرهنگ‌ها و مقتضیات خاص در تعیین و تبیین مفاهیمی همچون نظم عمومی و اخلاق حسنه و یا بهداشت عمومی غافل بود. به دیگر سخن نباید امکان کاستن قدرت جهان شمولی حق‌ها در پرتو تحدید مفهوم حقوق بشر توسط قیود فوق را دست کم گرفت.

### بند سوم - انتظارات عمومی جامعه

مغایرت با انتظارات عمومی از دو وجه قابل بررسی است: از طرفی قوانینی که پیش روی ماست متناسب با مقتضیات زمان نیست و قانون‌گذار از انتظارات عمومی پیشی گرفته است. از طرف دی‌گر کهنگی، جمود، تحجر و عقب‌ماندگی حقوقی نیز ما را در برابر قوانینی قرار می‌دهد که شاید در خوش‌بینانه‌ترین حالت عملاً متروک شده باشند؛ اما به جهت عدم نسخ صریح از جانب قانون‌گذار، هنوز قدرت اجرایی دارند. برای برون‌رفت از معضل دوم باید به کیفیت وضع قانون نگاه کرد. به قول منتسکیو: «باید فهمید قانون در چه کیفیتی وضع شده و هرگز نباید قوانین را از کیفیاتی که در آن‌ها وضع شده جدا نمود». وی با اشاره به یکی از قوانین آتن که در آن به هنگام محاصره هر شهر و بی‌دفاع بودن مردمان، آن‌ها را قتل عام می‌کردند؛ به طوری که مغلوب شدن شهر در حکم انهدام و محو مطلق آن بود، خواستار الغای چنین مواردی است (موننتسکیو، ۱۳۴۹: ۸۷۰).

به عقیده برخی «منطقاً در هر جامعه باید اعمالی جرم شناخته شود که از نظر اکثریت اعضای آن جامعه مضر به حال نظام اجتماعی باشد و لزوم جلوگیری از ارتکاب آن از طرف اکثریت مردم احساس گردد. همبستگی میان انتظارات عمومی و قوانین در غالب موارد مصداق دارد؛ یعنی برای آنکه نظام حقوقی بتواند به حیات خود ادامه دهد باید با انتظارات عمومی مردم جامعه تطبیق کند» (صانعی، ۱۳۸۲: ۵۵) در صورتی که تعارض شدید میان قوانین موضوعه و انتظارات عمومی وجود داشته باشد، قوانین موضوعه عملاً نفوذ و حاکمیت خود را از دست می‌دهند و چنانچه قوای مجریه و قضائیه مصمم به اجرای قانون مزبور باشند شاهد تنش‌ها و نابسامانی‌های گوناگون از جمله بی‌اعتمادی مردم به دستگاه قضایی، ایجاد نارضایتی عمومی بین مردم، بی‌اعتنایی به قانون مصوب و... خواهیم بود. (انصاری، ۱۳۹۱: ۳۶۱) در این حالت نظم مبتنی بر امر و حکم و فرمان، نه از مشروعیت برخوردار بوده و نه می‌تواند ساختارهای حقوقی را به مدت طولانی دگرگون سازد.

اما مسئله انتظارات عمومی در یک سطح دیگر نیز قابل بررسی است. هنگامی که از حقوق مالکیت فکری سخن به میان می‌آید مسئله است که دیگر انتظارات عمومی، انتظارات عمومی محدود جامعه داخلی و شخصیت حقیقی مردم یا شخصیت حقوقی دولت در سطح داخلی مطرح نمی‌شود. در بسیاری از موارد فشارهای بین‌المللی بیانگر انتظارات بین‌المللی در سطح وسیع و جهانی می‌باشند که مثلاً جهت‌گیری بین‌المللی و در نهایت فشار بر دولت‌های داخلی را در پی خواهد داشت. بسیاری از قواعدی حقوق مالکیت فکری در سطح داخلی با ماهیت حقوق بشری اینگونه بر دولت‌ها تحمیل می‌شوند و به این دلیل است که آن‌ها باید پاسخگوی نیازهای مردم در زمینه این مسائل باشند.

### نتیجه‌گیری

امروزه ارزش‌ها در نظام‌های حقوقی، در دو سطح داخلی و بین‌المللی تعریف و تبیین می‌گردد. در سطح داخلی، می‌توان تاثیر ارزش‌های حقوق مالکیت فکری را متاثر از عواملی چون سنت رویدادهای تاریخی و همچنین ایدئولوژی‌های خاص سیاسی، اجتماعی و اقتصادی دانست. آمیختگی عوامل مذکور نظام حقوقی را در قلمروی حقوق داخلی، در مقام پیکره‌ای نظام‌مند و مبتنی بر ارزش‌هایی مشخص تعریف می‌کند. از این رو، غالباً موضوعاتی مورد بحث قرار می‌گیرند که در یک کشور یا در مقطع زمانی خاص با واکنش قانون‌گذار مواجه بوده و در مقاطع زمانی دیگر و در سایر کشورها با توجه ویژه‌ای همراه نبوده است. در حوزه حقوق مالکیت فکری نیز در وهله نخست، هنجارهای بسیاری در حقوق داخلی ایجاد شده و واجد اهمیت گردیده است. با این وجود، ضمن پیدایش جامعه جهانی و تشکیل سازمان ملل متحد از نیمه‌های قرن گذشته، در حوزه حقوق مالکیت فکری تغییر و تحولاتی بنیادین صورت گرفته که از آن میان تغییر گفتمان و نظم حقوقی حاکم بر این عرصه، از همه چشمگیرتر است.

وقوع جنگ‌های جهانی، نیاز به تحول در مفاهیم حقوقی و لزوم حمایت از گروه‌های تحت خطر، آذهان بسیاری را با این پرسش مواجه نمود که چگونه می‌توان ارزش‌های جهانی را در عرصه حقوق مالکیت فکری تعریف و تبیین کرد، به طوری که از یکسو پاسخگوی نیازهای بین‌المللی بوده و از سوی دیگر در تعارض با نسبییتی که به آن اشاره شد، قرار نگیرد. نظام ارزشی را باید در حوزه حقوق مالکیت فکری به دو دسته نظام ارزش‌های مطلق و نظام ارزش‌های نسبی تقسیم‌بندی نمود. ارزش‌های مطلق جنبه جهانی و غیرقابل تغییر داشته و امکان تعارض با هنجارهای داخلی در آن امری ناممکن است. از سوی دیگر، نظام ارزش‌های نسبی به شرایط

داخلی کشورها وابسته بوده و بنابراین نحوه نگرش حاکم می‌توان قاعده‌ای را در نظام داخلی به تصویب رساند یا از ورود آن به حقوق داخلی جلوگیری کرد.

اصالت‌دهی به حقوق داخلی و ارزش‌های ملی ممکن است در تعارض با حقوق بین‌الملل و اسناد بین‌المللی قرار نگیرد اما در صورت ایجاد تعارض، به واسطه حق شرط که با حقوق و قسمت‌های بنیادین معاهده متعارض نباشد، می‌توان بسیاری از مناقشات را در عرصه مالکیت فکری حل و فصل نمود. با این وجود، در تعارض با حقوق بنیادین معاهده، حق شرط کارآمد نخواهد بود. در چنین وضعیتی است که حقوقدانان حوزه مالکیت فکری از ارزش‌های بین‌المللی یا جهانی شده سخن رانده‌اند.

تضمینات حقوق مزبور در ذات و ماهیت خود توان تغییر از سوی کشورها را ندارند، چراکه قواعدی امری محسوب می‌شوند و قواعد بین‌المللی مالکیت فکری و به طور کلی حقوق بین‌الملل بر پایه حمایت از ارزش‌های مشترک جهانی، که بدون توجه به ایدئولوژی‌های خاص، سنت‌ها و دیگر قواعد و اصول تعریف شده، معین گردیده، به رشته تحریر درآمده‌اند.

اما برخی از چالش‌ها در این زمینه به حقوق مالکیت فکری ایران نیز باز می‌گردد، که نیمی از آن در زمره‌ی چالش‌های مشترک سایر کشورها قرار گرفته و بخش‌هایی دیگر از آن، منحصر به نظام حقوقی ایران است. چنانچه گذشت در برخی موارد، سختگیری‌های موجود در الحاق به پاره‌ای اسناد بین‌المللی ریشه در نگرش‌های مذهبی و اصالت‌بخشی بیش از حد به نظام حقوقی داخلی دارد. موارد مذکور در ردیف مهم‌ترین چالش‌های نظام حقوق مالکیت فکری ایران جهت ورود به حوزه حقوق بین‌الملل و عرصه جهانی شدن، قرار می‌گیرد. امروزه، نظم نوین جهانی در چارچوب قوانین داخلی نظام حقوقی ایران نیز تبلور یافته‌اند. این امر، طی یک‌صدسال گذشته با پیوستن به اسناد عام جهانی از جمله اعلامیه جهانی حقوق بشر، میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی نمود یافته و در مسیر انقلاب اسلامی نیز با الحاق به کنوانسیون‌های خاص بین‌المللی از جمله اسناد مرتبط با حقوق مالکیت فکری تداوم داشته است. در این راستا، می‌باید از تاثیر قواعد آمره و موازین حقوق بشری که بر گفتمان بنیان نظام حقوقی ایران تاثیرگذار بوده، سخن گفت و قدر مسلم آنکه، نظم نوین جهانی این حقوق عام را متحول ساخته و دیگر چاره‌ای برای مقابله در برابر آن نیست.

**فهرست منابع**

**کتاب:**

- بیگزاده، ابراهیم، حقوق سازمان های بین المللی. تهران، نشر مجمع علمی و فرهنگی مجد، ۱۳۹۸.
- صانعی، پرویز، حقوق و اجتماع، رابطه حقوق و عوامل اجتماعی و روانی. تهران، طرح نو، ۱۳۸۱.
- صانعی، پرویز، حقوق جزای عمومی، تهران، طرح نو، ۱۳۸۲.
- گیدنز، آنتونی، جامعه‌شناسی. ترجمه حسن چاوشی، تهران، نشر نی، ۱۳۸۹.
- محمودی، منصور، حقوق کیفری فناوری اطلاعات و ارتباطات، تهران، نشر دوران، ۱۳۸۹.
- منتسکیو، روح القوانین، ترجمه علی اکبر مهتدی، تهران، نشر کتاب آمه، ۱۳۴۹.
- قاری سید فاطمی، محمد، حقوق بشر در جهان معاصر، تهران، نشر دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۸۷.
- 18) Baum, Z. *Postmodernity and its Discontents*, Cambridge Publication, 1997.
- 19) Giddens, A.S & Philip, W. *Sociology*, John Wiley Publication, 8<sup>th</sup> edition, 2017.
- 20) Kenan, P. *The New Deterrence, Crime and Policy in the age of Globalization*, Kennan Final doc, 2017.
- 21) Montesquieu, D. *A Montesquieu Dictionary*: [www.dictionnaire-montesquieu.ens-lyon.fr/en/home](http://www.dictionnaire-montesquieu.ens-lyon.fr/en/home). 2020.

#### مقاله:

- توحیدی فر، محمد، فرآیند جهانی شدن حقوق کیفری، نشریه مدرس، ۱۳۸۰، شماره ۴ (پیاپی ۲۱).
- باقری خوزانی، محمد، درآمدی بر چالش‌های فراروی دولت جمهوری اسلامی ایران در عصر جهانی شدن، فصلنامه مطالعات اسلامی، ۱۳۸۷، شماره ۱، صص ۲۱۱-۲۳۶.
- عاملی، سعیدرضا، جهانی شدن، مفاهیم و نظریه‌ها، نشریه ارغنون، ۱۳۸۳، شماره ۲۴، صص ۱۰-۵۸.
- قاری سید فاطمی، محمد، قلمرو حق‌ها در حقوق بشر معاصر: جهان شمولی در قبال مطلق‌گرایی، نشریه نامه مفید، ۱۳۸۱، شماره ۳۳، صص ۵-۲۰.
- گسن، ریموند، آیا جرم وجود دارد؟، ترجمه علی حسین نجفی ابرند آبادی. مجله تحقیقات حقوقی دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۷۹، شماره ۳، صص ۶۱-۱۰۲.

#### پایان نامه و رساله:

- انصاری، محمودرضا، مقایسه بین سیستم تناسب تعقیب و قانونی بودن تعقیب. پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه آزاد اسلامی واحد نراق، ۱۳۹۱.
- حاتم‌زاده، بهزاد، تاثیر اندیشه هابز و لاک بر حقوق بشر. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه مفید، ۱۳۸۳.
- حبیب‌نژاد، احمد. نظم عمومی به عنوان محدودیتی بر حقوق و آزادی‌های عمومی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات، ۱۳۹۰.
- سالار، علی. تحولات اصل برائت در پرتو گونه‌های جدید بزهکاری. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه آزاد اسلامی واحد نراق، ۱۳۸۹.
- مهدوی، سید محمد. حقوق مجازی در عصر جهانی شد. پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز، ۱۳۸۷.



# *The Universality of Intellectual Property Rights with an overview of Iranian Law*

*Ayub Milki* \*

*Mehdi Hadavand* \*\*

*Mohammad Darabi* \*\*\*

## **Abstract**

Globalization has had its effects on all areas of human life, including various fields of jurisprudence. The globalization of intellectual property rights and their effects in the legal system of many countries can be exempted from this challenge, but in Iran due to the conflicting views of some jurists by limiting the scientific, literary and artistic fields and somehow monopolizing it to some extent, which presented a serious challenge in accepting this branch of science in the legal system. Recourse to universal methods for applying formal and substantive rules of intellectual property rights and the influence of modern legal systems on global legislative treaties and finally the texts that have forced this branch of law to follow the universal rules of intellectual property rights, is a fact that cannot be ignored. Therefore, the commitments of governments, including Iran, in terms of intellectual property rights are to the result that its tools have been provided for the states for many years with the joint cooperation of specialized institutions of the World Trade Organization. In this article the descriptive-analytic method was adopted, and we tried to clarify the concept of Globalization and its connection to intellectual property was explained, then after analyzing the reasons that advocates and opponents set out; we considered the obstacles in this area. In this regard, the Iranian government must abandon the old interpretations of jurisprudence and deal with a new understanding of the effects of globalization on intellectual property rights as a fact.

## **Keywords**

*The law of Intellectual property, Globalization, International Governance, Domestic Governance, Conflict of rights*

---

\* Assistant Professor of Law, Campus Branch, Islamic Azad University, Campus, Iran. ayoub.milaki@yahoo.com

\*\* Assistant Professor, Faculty of Law and Political Science, Allameh Tabatabai University, Tehran, Iran. (Corresponding Author): mehdihadavandd@gmail

\*\*\* Master of International Law, Faculty of Humanities, North Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran. md.darabi@gmail.com